

تاریخ سری

روی نهفته تاریخ



○ تاریخ سری (روی نهفته تاریخ)
○ تالیف: پروکویوس
○ ترجمه: فریدون مجلسی
○ ناشر: توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰

○ احمد کامران فر

بلیزاریوس که در «تاریخ جنگها» آن همه مورد توجه پروکویوس بوده در کنار همسرش چون زوستی تیان و تودورا مورد حمله قرار می‌گیرد که این خود حاکی از استقلال فکری و گویایی این مطلب می‌باشد که او هیچگاه حقایق را فدای مصلحت ننموده است. تاریخ سری، پروکویوس را به مورخی جنجالی و اثرش را «... برجسته، آگاه کننده و جالب، و پرهیجان و اصیل و ناب...» تبدیل نموده و این سوال را در برابر پژوهشگران پس از خود به یادگار نهاده که چرا و به چه منظوری دست به نگارش چنین کتابی زایدی است. آیا برآستی تاریخ سری، «تلافی خشکمانده‌ای از طرف یک درباری نومیده شده» است؟

از تاریخ سری با عناوینی چون «تاریخ حرامانه» و «مطلب منتشر نشده» یاد شده است. پشت پرده‌های زندگی درباری و آنچه پوشیده از دیدگان مردم در جریان بوده همه آن چیزی است که تاریخ سری بدانها پرداخته است. تکیه پروکویوس بیش از همه بر افشای فساد حاکم بر طبقه فرادست جامعه بوده است. نشان دادن فساد اخلاقی و مذهبی که در پس چهره زینا و با شکوه جامعه هیچگاه فرصت خود نمایی نمی‌یابند تاریخ سری این فرصت را برای مردم پدید می‌آورد تا نگاهی به واری این ظاهر پرفریب داشته باشند. هدف پروکویوس از بیان بی‌بروی مسائل خصوصی زندگی افراد با نفوذی چون امپراتور و همسرش آن است که با بیان آنها چگونگی ویرانی کشور در نتیجه اعمال زشت و شرم آور آنها را به مردم یادآور شود.^۱

پروکویوس در آغاز کتابش با خواننده خطرات و اهدافش را در نوشتن تاریخ سری یادآور می‌گردد. در گام اول وی شیوه سابقش را در

بوده بر نام پروکویوس بیش از پیش نامل خواهیم نمود.

تاریختویسی پروکویوس دو جلوه دارد. او هر دو روی سکه تاریخ را به نمایش عامه می‌گذارد. روی اول که در پارهای موارد چشم‌نواز، دل‌فرب و افسوسگزار است، همه آنچه را که عیان است شامل می‌شود و اغلب مورخین بدان پرداخته‌اند. روی دوم، در واقع پشت سکه است که اغلب از دیدگان عموم پنهان می‌ماند، فساد، خیانت، توطئه، در پشت صحنه این تئاتر همیشه بر روی صحنه ساری و جاری است. پروکویوس در آثارش به هر دو وجه این سکه قدرت توجه می‌نماید. بی‌بروایی وی در نگارش تاریخ سبب می‌گردد که خود نیز مورد حمله قرار گیرد. گیبون وی را «مورخ هجوتوس» می‌نامد.^۲ ویل دورانت نوشته‌هایش را به ویژه در تاریخ سری مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است: «... مورخی که قلم خود را برای اثبات نظریه‌ای می‌بچاند مطمئناً نمی‌تواند حقایق را نیز خلاف واقع جلوه دهد.»^۳

پروکویوس در دو کتاب تاریخ جنگها و اینیه روی اول سکه تاریخ را به نمایش می‌گذارد. در تاریخ جنگها بیش از آنکه به امپراتور پرداخته باشد بلیزاریوس را مورد توجه قرار داده است که با استقبال مردم و سکوت امپراتور مواجه شد.^۴ هرچند وی تلاش نمود تا در کتاب اینیه به نوعی از امپراتور دلجویی نماید و اقداماتش را در بر پایی استحكامات، راهپا، بنادر، آب‌انبارها و کلیساها و... برشمارد.

اما پروکویوس در تاریخ سری روی دیگر سکه زندگی امپراتور و تودورا، بلیزاریوس و آنتونینا را به نمایش عامه می‌گذارد و به افشای بخشی از زندگی درونی دربار که همواره در سکوت تاریخ به فراموشی سپرده می‌شود، پرداخته است. حتی

تاریخ بیزانس و مطالعات بیزانس در کشور ما همچون مازده است. چرا که ایام درازبای عمر امپراتوری بیزانس یعنی از ۳۹۵ م. (تقسیم امپراتوری روم به دو نیمه خوری و باختری) تا ۱۴۵۳ م. (فروپاشی قسطنطنیه در کام ترکان عثمانی) در هیاهوی نام قرون وسطی که به یکباره همه نگاهها را به حوادث نیمه باختری در اروپا معطوف داشته، به فراموشی سپرده شده است. قکر منابع اصلی و یا حتی تحقیقاتی نباشناخته ماندن تاریخ بیزانس در ایران می‌افزاید. اما پروکویوس^۵ مورخ نامدار بیزانسی برای محققان و پژوهشگران ایرانی فرد ناشناخته‌ای نیست چرا که حداقل در پیوند با تاریخ ایران روزگار ساسانیان کنکاش در آثار او ضروری می‌نماید. مگر نه آنکه روابط ایران و روم و سپس بیزانس در عصر ساسانی بخش بزرگی از تاریخ جهان باستان را به خود اختصاص داده است. پس هر اثری که به بیان گوشه‌ای از این همه حادثه پرداخته باشد مورد توجه خواهد بود.

نام پروکویوس در کنار نام زوستی تیان- امپراتور بلندآوازه بیزانس- (۵۶۵-۵۷۲ م) و همسرش تودورا که آوازه‌ای از ننگ را پیش از تکیه زین بر مسند همسری امپراتوری بیزانس به دنبال داشته، در هم آمیخته است. اگر اضافه کنیم که نام پروکویوس یا بلیزاریوس سردار معروف امپراتور که نقش به سزایی در فتوحات عصر زوستی تیان و فرو نشاندن بلوای نیکا^۶ بر عهده داشت نیز گره خورده، به میزان ارزش آثار وی بی‌خوابیم بود. اگر بر همه اینها بیفزاییم که این روزگار معاصر با فرم‌نمایی خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۹۱ م) معروف‌ترین چهره پادشاهی روزگار ساسانیان بوده که روابط تجاری، سیاسی، نظامی و فرهنگی در ایام حکومتش با بیزانس دو چندان



**بروکویوس مورخ نامدار بیزنسی برای محققان و پژوهشگران ایرانی
فرد ناشناخته‌ای نیست چرا که حداقل در پیوند با
تاریخ ایران روزگار ساسانی بخش بزرگی از تاریخ جهان باستان را
به خود اختصاص داده است**

او به آنچه می‌گفته توجهی نداشته و در واقع قادر به درک واقعیت نبوده است چرا که «به شدت ساده لوح بوده است...» افزون بر این بروکویوس از ژوستینیان یا عباراتی چون مظاهر، فربیکار، ریاکار، عوام فربیه پنهان کار، دو رو، زیرک و... یاد می‌کند. «بدین ترتیب شدیدترین حملات را متوجه وی می‌نماید تا جایی که از یافتن واژه‌هایی که بیانگر شخصیت واقعی وی باشد در می‌ماند» زیرا به زعم وی «طبیعت هر گونه گرایش به گناه و بدی را از دیگر افراد بشر دور کرده و در روح این مرد انباشته است.»

بروکویوس در فصل سوم به شیوه حکومت ژوستینیان می‌پردازد و در واقع زندگی سیاسی او را مورد حمله و انتقاد قرار می‌دهد. وی اگر چه معرفی است که با قدرت گرفتن ژوستینیان تغییراتی در شیوه اداره کشور پدید آمد اما آنها را در اسای نامین عدالت یا منافع عمومی نمی‌داند بلکه به زعم او امپراتور فقط در پی آن بوده که فقط نام خویش را بلندآوازه نماید. «او همچنین ژوستینیان را به غارت و مصادره اموال مردم، به راه انداختن جنگ‌های بیپایه پرداخت باج به خسرو انوشیروان، ایجاد اختلافات مذهبی در بین مردم بیزانس، اعمال ناخردانه و کودکانه متهم می‌نماید.» نتیجه چنین اعمالی از سوی امپراتور

می‌نمود ترفندهای چادویی این زن مانع از انجام هدفش می‌گردید. ضمن آنکه حمایت‌های تودورا در مقام ملکه از همسر بلیزاریوس مانع از انجام هر عملی علیه وی توسط بلیزاریوس بوده است. علاوه بر ناپسامانی‌هایی که بر زندگی زناشویی بلیزاریوس و آنتونینا حاکم بوده و بروکویوس بدانها پرداخته، گوشه‌هایی از ذکالت‌های تودورا در این زندگی و تأثیرات آن در وضعیت امپراتوری بیزانس، بویژه در بخش جنگ‌های بلیزاریوس با دشمنان و توطئه‌های گوناگونی که در برابر صورت می‌گرفته، همه موارثی است که بروکویوس در فصل اول تاریخ سری بدانها می‌پردازد. بروکویوس همچنین در همین فصل از تاریخ سری اشاراتی به جنگ‌های ایران و بیزانس در ایام خسرو انوشیروان دارد که رهبری نیروهای بیزانسی را بلیزاریوس بر عهده داشته است. این مطالب در پیوند با تاریخ ایران روزگار ساسانیان حائز اهمیت می‌باشند.»

بیشترین حجم مطالب، تاریخ سری به ژوستینیان و تودورا اختصاص یافته است. در فصل دوم مؤلف اشاراتی به وضعیت بیزانس در آستانه قدرت گرفتن ژوستینیان دارد و بویژه مطالبی در بیان اختلافات میان دو فرقه آبی و سبز که منسوب به نیم‌های اربابانه بودند حائز اهمیت است که در نهایت این اختلافات با بهانه طرفداری امپراتوری از آبی‌ها منجر به برپایی بلوای نیکا گردید. بروکویوس با بیان وضعیت پایتخت آن را فروتنی می‌داند که به دیگر نقاط امپراتوری نیز سرایت می‌کرده است و امپراتور را مسؤول اصلی چنین وضعیتی معرفی می‌کند. زیرا

نگارش وقایع منطبق با زمان‌ها و مکان‌ها و واقعی کنار می‌نهد و دلپاشی را هم ترس از لو رفتن توسط جاسوسان و گرفتار شدن به مرگ از عذاب اورتورین شیوه‌ها می‌داند. این ترس تا بیان حد بوده که از خوشبوپنداشتن نیز احساس امنیت نمی‌نمود و به هنگام نوشتن نددانهایش از ترس بر هم می‌خورده، با این حال وی در خود رسالتی را در برابر آندگان احساس می‌نمود که به بیان حقایق بپردازد. هر چند که خود این احتمال را می‌دهد است که نسل آینده مطالبی را باور نکند.

تاریخ سری بر چهار رکن ژوستینیان، تودورا، بلیزاریوس، آنتونینا استوار است. دو مرد که به نوعی در اراده دو زن اسپرند، هر یک به نوعی، واقع باید گفت این دو زن بودند که بیزانس را در ایام زمامداری ژوستینیان اداره می‌کردند که هر دو آنها نیز نامی نیک نداشتند. تاریخ سری به برملا ساختن این بدنامی‌ها می‌پردازد.

آغاز مطالب تاریخ سری به بلیزاریوس و آنتونینا و تاقفقه‌هایی از نیمه پنهان زندگی آنان اختصاص یافته است و در همان ابتدا همسر بلیزاریوس آماج حملات بروکویوس قرار می‌گیرد. از زندگی پیش از ازدواجش می‌گوید و فحشش که حتی پس از ازدواج نیز بدان شهره بود و این همه به لطف تسلطش بوده بر همسر که بروکویوس آنرا ناشی از «کاربرد دائمی جادو می‌داند که می‌توانسته شوهرش را بر توک انگشت کوچک خود بچرخاند.» چنین وضعی باعث می‌شده که بلیزاریوس اغلب چشم بر اعمال زشت همسرش می‌بندد «و در پاره‌ای موارد هم که بدنامی آنتونینا اختیار از کف بلیزاریوس می‌ربود و آهنگ قتلش

می‌نمود ترفندهای چادویی این زن مانع از انجام هدفش می‌گردید. ضمن آنکه حمایت‌های تودورا در مقام ملکه از همسر بلیزاریوس مانع از انجام هر عملی علیه وی توسط بلیزاریوس بوده است. علاوه بر ناپسامانی‌هایی که بر زندگی زناشویی بلیزاریوس و آنتونینا حاکم بوده و بروکویوس بدانها پرداخته، گوشه‌هایی از ذکالت‌های تودورا در این زندگی و تأثیرات آن در وضعیت امپراتوری بیزانس، بویژه در بخش جنگ‌های بلیزاریوس با دشمنان و توطئه‌های گوناگونی که در برابر صورت می‌گرفته، همه موارثی است که بروکویوس در فصل اول تاریخ سری بدانها می‌پردازد.

بروکویوس همچنین در همین فصل از تاریخ سری اشاراتی به جنگ‌های ایران و بیزانس در ایام خسرو انوشیروان دارد که رهبری نیروهای بیزانسی را بلیزاریوس بر عهده داشته است. این مطالب در پیوند با تاریخ ایران روزگار ساسانیان حائز اهمیت می‌باشند.»

بیشترین حجم مطالب، تاریخ سری به ژوستینیان و تودورا اختصاص یافته است. در فصل دوم مؤلف اشاراتی به وضعیت بیزانس در آستانه قدرت گرفتن ژوستینیان دارد و بویژه مطالبی در بیان اختلافات میان دو فرقه آبی و سبز که منسوب به نیم‌های اربابانه بودند حائز اهمیت است که در نهایت این اختلافات با بهانه طرفداری امپراتوری از آبی‌ها منجر به برپایی بلوای نیکا گردید. بروکویوس با بیان وضعیت پایتخت آن را فروتنی می‌داند که به دیگر نقاط امپراتوری نیز سرایت می‌کرده است و امپراتور را مسؤول اصلی چنین وضعیتی معرفی می‌کند. زیرا

تودورا را می‌توان شخصیت اصلی تاریخ سری قلمداد کرد. بنا بر گفته بروکویوس، تودورا چهره‌ای جذاب داشته است. «مجسمه‌ای که از وی ساخته بودند به زعم وی اگر چه زیبا بوده اما هنوز به گرد زیمایی خود ملکه [ژیمای رسیده]، زیرا وصف جمال او با کلماته یا مجسم ساختن آن با تدبیر، از عهده چای قدر انسانی خارج است.» به نظر وی ازدواج میان ژوستینیان و تودورا باعث شد که «ریشه و شاخ و برگ امپراتوری روم نابود گردد.» بروکویوس زندگی تودورا را از زمان کودکی مورد بررسی و شناسایی قرار می‌دهد. از هنگامی که به اتفاق خواهرانش در نمایشات سیرک پدر به بازی مشغول بوده است تا سرگذشتش پس از مرگ پدر.

مطالبی به بروکویوس از وضعیت تودورا در این ایام یعنی پیش از ازدواج با ژوستینیان بیان می‌دارد بهور از هر جنب و حیاتی است و هر آنچه را که مردم از تودورا می‌دانستند شامل می‌شود. بیان آنها البته دیگر حیثیتی برای ملکه باقی نهداده است. همین حرف‌های خیابانی و دوگوشی بروکویوس درباره تودورا در تاریخ سری عنوان کرده بر جذابیت کنش می‌افزاید.

مراجری عشق ژوستینیان به تئودورا و سرانجام ازدواج میان آن دو از مطالب پیش از امپراتور و ملکه شدن او مندرج در تاریخ سری است.^{۱۱}

آنچه که مردن او پیشینه تئودورا می‌شد مانع از آن بود که به راحتی وی را به عنوان ملکه پذیرا گردند و همواره زخم زبان‌های مردم عامه و حرفی‌های پنهانی رایج در بین آنها اشارتی بدین موضوع داشت. اما در دیگر سوختن در هرم قدرت قبیله نفوذ داشت چرا که محتاجان نام و نان و را «باثو» خطاب می‌کردند و در برابرش به خاک می‌افروختند.^{۱۲} آثاتی که حاضر به انجام چنین اعمالی نمی‌شدند بدست عمال ملکه متحمل مجازات‌هایی سنگین می‌شدند: «هر زیر زمین کاخ شبکه‌ای از سیاه چال‌های امن به صورت هزارچرخ وجود داشت سرداب‌ها به تو و زنجیر می‌کنید.»^{۱۳}

بروکویوس اعمال تئودورا را پس از آنکه وی رسماً به عنوان ملکه بیژانست دست یافته نیز تعقیب می‌نماید و تمام رفتار و کردارش را به قصد محکوم کردنش بر می‌شمرد. چگونگی گذران روزها و کارهایش در طی روز، شیوه بارهایی نزد ملکه و رفتار وی با مخالفان و موافقاتش، بدخالت‌هایش در امور دولتی و مذهبی و همه در زمره مواردی جای می‌گیرند که بروکویوس به عنوان نکات منفی در پورینه تئودورا مندرج در تاریخ سری ثبت نموده است. اگر آنچه را که بروکویوس درباره تئودورا گفته بپذیریم آنگاه سخن ویل دورانت، مورخ معاصر در باب وی که معتقد است: «زندگی زلت‌نویس خود را چنانکه شایسته یک پاپوست آغاز نکرد، اما آن طور که زیننده یک ملکه است پایان داد.»^{۱۴} مورد تردید قرار خواهد گرفت.

نتیجه اعمال و رفتار فردی و اجتماعی ژوستینیان و تئودورا برای امپراتوری بیژانست چه بوده است؟ بروکویوس در سه فصل پایانی «تاریخ سری» بدین سوال پاسخ مفصل می‌دهد. اولین و بدیهی‌ترین تاثیر حکومت مشترک امپراتور و ملکه باقی نماند که یک میلیون کشته بوده است. مالیات‌های کم‌رشدن شورش‌های گاه و بیگاه در گوشه و کنار امپراتوری، هجوم دشمنان نالایقان بر رها، بر یاد رفتن ثروت دولت فساد و تباهی در بدنه اداری امپراتوری، روح رشوه‌خواری، نابسامانی نداشتن قضایی، نامنی، خرید و فروش مشاغل و اضمحلال درونی سیاه زدود تجارت و دریاپورندی، نابودی صنعت، بیکاری و تنگدستی صنعتگران و همرندان، عمومی شدن فقر، از بین رفتن افراد لایق و کارداران، سیردن اداره امور بدست نالایقان بی‌کفایت، بی اعتبار شدن قانون، رواج خدعه و نیزنگه پورانی راه‌ها و دیهان مورد از این دست نتیجه تئودورا حکومت نیان و تئودورا برای بیژانست بوده است که بروکویوس یک بر یک و به صورت

مشروح بدنیها می‌پردازد و همه آنها را به رفتار و کردار و اندیشه امپراتور و ملکه و خودبندی‌های آن‌ها پیوند می‌زند.^{۱۵}

آیا همه آنچه را که بروکویوس درباره چهار شخصیت اصلی تاریخ سری گفته، پذیرفتنی هستند؟ آیا وی بر قصد انتقام‌گیری از چهار رکن اصلی هرم قدرت در عصر خود دست به نگارش تاریخ سری زده است؟ پاسخ بدین سوالات پس از گذشت پانزده سده از آن ایام بسیار دشوار است. بویژه آنکه آثاتی که در خلال مطالب این کتاب مورد حمله قرار گرفته‌اند دیگر توان دفاع از خود را ندارند. بروکویوس معتقد بوده در پس چهره ظاهری تاریخ، رازهای نهفته‌ای می‌باشد که فقط در قالب تاریخ سری می‌توان به بیان آن‌ها پرداخت و اینگونه آشکار نمودن رازهای سر به مهر و به عالم سحر کردن آنها لامحاله، سرب و علفی و بی‌رحمانه خواهد بود که دیگر جایی برای احساسات باقی نخواهد گذاشت.^{۱۶} بدین جهت

است که پذیرفتن همه آنچه را وی در تاریخ سری گفته حتی برای خواننده امروزی دشوار می‌نماید. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که مردم از دانستن چنین مطالبی محروم بوده‌اند و اگر کاخی نیز مورخی چون بروکویوس به افشای آنها می‌پرداخت آن را به دشواری پذیرا خواهند شد. هرچند باید گفت که یک‌شک بروکویوس هم راه افراط و تفریط را در تاریخ سری پیموده است و این برتردید خواننده در پذیرفتن مطالبش می‌افزاید. با این همه باید گفت دشواری‌ها و نابسامانی‌های سالهای پایانی حکومت ژوستینیان و به ویژه اوضاع آشفته امپراتوری بیژانست پس از مرگش نشان از عدم موفقیت امپراتور و ملکه در سامان آوردن وضعیت بیژانست دارد که بروکویوس در طی تاریخ سری به کالبد شکافی اعمال آنان پرداخته و همین نیز بر صحت مطالب عنوان شده بیژانست حکومت ژوستینیان و همراهی تئودورا مهر تأیید می‌نهد و بدور از برخی گرافه‌گویی‌های موجود در تاریخ سری آن را پذیرفتنی می‌نماید. تاریخ سری را تأیید به مثابه اعتراضی‌نامه خصوصی بروکویوس نسبت به اعمال و رفتار ژوستینیان و بلیژاریوس و همسرانشان دانست، چرا که در خلال همین افشاگرها از زندگی نهانی دربار می‌توان پاره‌ای از اطلاعات با ارزش درباره امور اداری، نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و روابط خارجی بیژانست در آن ایام کسب نمود که امروزه برای هر پژوهشگری جالبه جذاب و قابل تامل می‌باشند.

پی‌نوشتها:

۱. برای آگاهی بیشتر پیرامون بروکویوس و آثارش ر. ک: دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴ (عصر ایمان)، بخش اول، ترجمه: گروه مترجمین چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۲، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، صص ۱۵۵-۱۵۴؛ مؤیدی، حسنعلی؛ امپراتوری روم شرقی؛ ج ۱، چاپ اول مشهد ۱۳۳۵، بی. نا، صص ۱۲۸-۱۲۵؛ ممتحن، حسنعلی؛ کلیات

تاریخ عمومی؛ ج ۲، بخش دوم، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، صص ۷۷۰-۷۶۹؛ زین کوب، عبدالعزیز، تاریخ نژاد، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۰، انتشارات امیرکبیر، صص ۱۴۷؛ پیرنیا، حسن؛ ایران باستان، ج ۱، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۰، دبای کتاب، صص ۹۰؛ بروکویوس، تاریخ سری، ترجمه: فریدون مجلسی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۰، نشر سوس، صص ۳۴-۱۱، پیشگفتار. ۲. برای آگاهی بیشتر پیرامون بلوای نیکار، ر. ک: دورانت، ویل؛ پیشین، صص ۱۳۰؛ مؤیدی، حسنعلی؛ پیشین، صص ۸۶-۸۰؛ کیون، اودارد؛ انحطاط و سقوط روم، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۵۶۱-۵۵۶.

۳. کیون، اودارد؛ پیشین، صص ۵۵۲.
۴. دورانت، ویل؛ پیشین، صص ۱۵۵.
۵. بخش‌هایی از تاریخ جنگها که به پیوند با تاریخ ایران بوده و به فارسی ترجمه شده است، با این مشخصات: بروکویوس، جنگهای ایران و روم، ترجمه: محمد سمیدی، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۵، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. بروکویوس، تاریخ سری، صص ۱۱ پیشگفتار.
۷. دورانت، ویل؛ پیشین، صص ۱۳۱.
۸. جنگهای ایران و روم، صص ۱۰ مقدمه ترجمه دورانت، ویل؛ پیشین، صص ۱۵۵.
۹. بروکویوس، تاریخ سری، صص ۱۱ پیشگفتار.
۱۰. همان، صص ۵۹.
۱۱. همان، صص ۲۵۰-۲۵۱.
۱۲. همان، صص ۳۷.
۱۳. همان، صص ۳۸.
۱۴. همان، صص ۲۵-۲۶.
۱۵. همان، صص ۲۵-۲۶.
۱۶. همان، صص ۶۲-۶۶.
۱۷. همان، صص ۶۶.
۱۸. همان، صص ۶۸.
۱۹. همان، صص ۶۸.
۲۰. همان، صص ۶۸.
۲۱. همان، صص ۶۹.
۲۲. همان، صص ۷۸.
۲۳. همان، صص ۷۹-۷۹.
۲۴. همان، صص ۹۰.
۲۵. همان، صص ۷۸.
۲۶. همان، صص ۷۸.
۲۷. به نقل از دورانت، ویل؛ پیشین، صص ۱۳۰.
۲۸. بروکویوس، تاریخ سری، صص ۶۹.
۲۹. بروکویوس، تاریخ سری، صص ۷۳-۷۵.
۳۰. همان، صص ۷۶.
۳۱. همان، صص ۴۹.
۳۲. همان، صص ۱۰۶-۹۵.
۳۳. دورانت، ویل؛ پیشین، صص ۱۳۱.
۳۴. بروکویوس، تاریخ سری، صص ۱۰۷.
۳۵. همان، صص ۱۵۶-۱۵۴.
۳۶. همان، صص ۲۸.